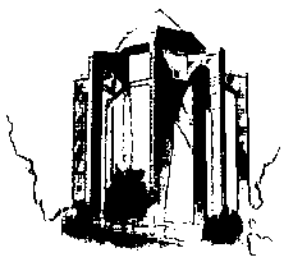




چترکار

بابا طاهر عریض





باباطاهر، قرن ۵ ق.

دیوان

دوبیتی های باباطاهر عریان / بامقدمه مهدی الهی قمشه ای؛
به خط کلک کامپیوتری - قم: آثار قلم، ۱۳۹۰

۱۰۰ ص.

ISBN:978-600-92846-9-6

۴۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

این کتاب در سالهای مختلف توسط ناشرین مختلف منتشر
شده است.

۱. شعر فارسی -- قرن ۵ق، مصحح. ب. غنی، قاسم، ۱۳۷۷

د. عنوان.

۸ فا ۱/۲۲

PIR ۴۶۰۰

د ۱۱۴ ب

۱۳۹۰

۲۲۱۵۶۸۶



— شناسنامه کتاب —

نام کتاب: دوبیتی های باباطاهر

خط، ترکیب خوشنویسی محمد مهدی منصوری

ناشر: آثار قلم

ناشر همکار: کومه

مجری طرح: موسسه طوبی

ناظر چاپ: حسین قوامیان

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۳۹۰

صفحه و قطع: ۱۰۰ صفحه / وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی و چاپ: المهدی / پرستش



قیمت: ۴۰۰۰ تومان

N:978-600-92846-9-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۴۶-۹-۶

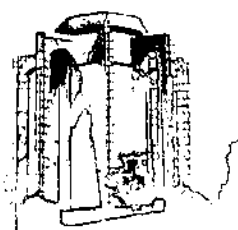
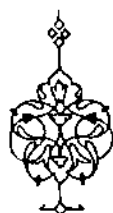
مراکز پخش: قم/ خیابان انقلاب / بین کوچه ۹۷ / پلاک ۲۲۱ / موسسه ط

تلفن: ۷۷۴۶۷۵۴ - ۷۷۳۱۴۸۰ - ۷۸۳۵۴۸۰ - ۲۵۱ فاکس: ۶۶۹۷۶

همراه: (بکاء) ۰۹۱۲۱۵۳۰۳۶۰ - ۰۹۱۲۷۴۹۸۹۰۰ (قوامی

اصفهان: چهارباغ خواجه / روبروی صدا و سیما / نشر ثامن الائمه

تلفن: ۲۲۲۳۵۳۹ - ۲۲۱۰۶۶۴ - ۳۱۱



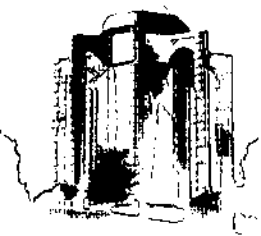


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مقدمه

بابا طاهر غریبان همدانی بوده و مسلک درویشی و فروتنی او که شیوه عارفان است سبب شد تا وی گوشه گیر نشسته و گمگام زیسته و تفصیلی از زندگانی خود باقی نگذارد. فقط بعضی از کتب صوفیه ذکر از مقام معنوی و مسلک ریاضت و درویشی و صفت تقوی و استغفای او آمده است. آنچه از سوانح زندگانی وی معلوم است، ملاقاتی است که گویا میان او و طغرل سلجوقی در حدود سال ۴۴۷ هجری قمری همدان اتفاق افتاد و از این خبر به دست می آید که دوره شهرت شیخ، اوایل قرن پنجم و تولدش ظاهرأ در اواخر قرن چهارم بوده است. شرح این ملاقات در ((راحة الصدور)) راوندی چنین آمده است: «شنیدم که چون سلطان طغرل بیگ به همدان آمد، از اولیای سپهر بودند، بابا طاهر و بابا جعفر و شیخ حمدا. کوهی است بر در همدان آن را خضر خوانند. بر آنجا ایستاده بودند، نظر سلطان بر ایشان آمد، گو که لشکر بداشت و پیاده شد و با وزیر ابونصر الکنذری پیش ایشان





آمد و دست ایشان بوسید. بابا طاهر شیفته گشته بودی، اورا
گفت: ای ترک با خلق خدا چه خواهی کرد؟ سلطان گفت:
آنچه تو فرمایی! بابا گفت که: خدای فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُؤْمِرُ بِالْعَدْلِ
وَالْإِحْسَانِ» سلطان بکرست و گفت چنین کنم. بابا سر بر تکی
گذاشته که سالها از آن وضو کرده بود در انجشت داشت،



بیرون کرد و در انجشت سلطان کرد و گفت جلالت عالم چنین در دست تو کردم؛ بر
عدل باش! سلطان پیوسته آن در میان تعویذ داشتی و چون مصافی پیش
آمدی، آن در انجشت کردی». بابا طاهر از خنکویان صاحب دل و درمند بوده
و نغمه های که شاعر سوز درونی است سروده و نیز سالاتی به عربی و فارسی
تألیف نموده است. از آن جمله مجموعه کلمات قصاری است به عربی که عقاید
تصوف را در نظم و معرفت و ذکر و عبادت و وجد و محبت در جمله های کوتاه و مؤثری
بیان می کند. بیشتر شرت بابا طاهر در ایران به واسطه دو بیتی های شیرین و
مؤثر و عارفانه اوست. از خصوصیات این رباعی ها آن است که با وزن معمولی
رباعی کمی فرق دارد و نیز در زبانی شبیه به لری سروده شده و از این لحاظ آشنا
را در کتب قدیم «فملویات» نام داده اند. در تمام دو بیتی های ساده و مؤثر شاعر
از وحدت جهان و دور افتادگی انسان و از پریشانی و تنهایی و ناچیزی و
بی چسبندی خود یاد کرده و از بهر آن شجاعت نموده و حس اشتیاق معنوی خود را





نشان داده است. بابا طاهر در بهمان دار فانی را وداع
گفته و قبری در سمت غربی شهر بهمان، امروزه طواف گاه
اهل دل است.



برخی احوال طاهر از رباعیات او

نام پدر بابا طاهر فریدون است چنان که در این رباعی فرمود:

«نصیحت بشو از پور فریدون که شعله از تور سر دایو» چه این مثل از فریدون
پادشاه عجم احتمال بعید است و اینجا پور فریدون خود او مراد است پس فریدون
نام پدر او خواهد بود (فرزند طاهر) طاهر را فرزندی فریدون نام بوده که
در زمان حیات طاهر فوت شده که در سکواری گفته: «فریدون عزیزم فتنه
از دست بوره گزنو فریدونی بسازیم یعنی: از خدا فرزندی دیگر بطلبیم». ظاهراً
در رباعی دیگر «کلی که خود بدادم و بچ و تابش به آب دید کانم دادم آتش» نیز
اشاره به فوت این فرزند است و شاید در رباعی دیگر «یکی ناکه فلانی زنده و دایو
همه گویند فلان بن فلان مرد» هم اشاره به فوت آن فرزند است. طاهر بسیاری از
عمر را به کوه و صحرا و سیر و سفر بوده از این رباعی برمی آید دائم در غربت و سفر بود
«چو روج آیو بگردم کرد گیتی چو شو آیو بختی و انهم سر» یا این رباعی که گوید:
«غریبی بس مراد لکیر داره فلک در گردنم زنجیر داره» طاهر به اصفهان و
شیراز هم سفر کرده که گوید:





صفا هو نم صفا هو نم چه جایی که هریاری گرفتم بی وفا

بشم یکسر بتازم تا به شیرازی که در منزل صد آسایش

ظاهر بن پیری رسیده که گوید: «شدم پیر و برنامی نمانده

بتن تو شش و توانائی نمانده» اما چون تو کدش معلوم نیست سال

عمر او را به تحقیق نتوان یافت لیکن شاید در دوران شکرکشی

طغرل (یا ملک شاه) تقریباً بن پیری بوده طاهر به روح بزرگ آسمانی با

قدس و تجرد و عشق و عرفان خود اشاره کرده در این حماسه که فرموده:

می آن بجرم که در ظرف آدمتم چون قطره بر سر صرف آدمتم

به برالهی الف قدی برآو الف قدم که در الف آدمتم

اگرچه ممکن است مقصود شش را از این رباعی بر مقام انسانیت حمل کرده که نفس ناطقه

مجرد او در ظرف علاقه تن گرفتار است و الف و الف و الف قدم مقام فریغ لیل القدری

روح قدسی انسان کامل که «خیز من الف شمر» است مقصود باشد.



مانده

زندگی‌نامه شاعران بزرگ ایران آثارات بهار

و مهدی الهی قمشه‌ای

